

در میان آب و آتش

نگاهی به روند توسعه تبریز از منظر الگوی پایداری

فنانه حاجیلو: پژوهشگر موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز

مرور الگوهای توسعه در دهه های اخیر، حکایت از رشد و توسعه نامتوازن جوامع شهری به ویژه در کشورهای درحال توسعه دارد. توسعه اقتصاد صنعتی، تحولات اجتماعی و تغییرات سیاسی را می توان مهمترین عوامل ایجاد تغییر در فرایند رشد و توسعه شهرها خصوصا از نظر فیزیکی و فضایی برشمرد. استفاده از درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی خام در اقتصاد این کشورها- نظیر تزریق درآمدهای حاصل از فروش نفت در کشور ما- به ویژه در بخش های غیر مولد اقتصاد شهری، توسعه بسیاری از شهرها را دچار روندی شتابان و بی‌شوی کرده است. تاثیر شگرف این الگوی توسعه بر از بین بردن تعادل میان محیط زیست و محدوده های شهری (که در شکل سنتی شهر برقرار بود)، مهمترین مسئله ای است که در جریان این تغییرات، همواره دانسته یا ندانسته مورد غفلت قرار گرفته است. به این ترتیب سبک های مختلف توسعه شهری همواره شهرها را به سمتی سوق داده که در ادبیات توسعه از آن به عنوان توسعه شایسته و ناپایدار یاد می‌شود.

فرایند توسعه زمانی پایدار می‌شود که بخش های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، در الگوهای توسعه شهری و الگو سازی برای زندگی فردی و اجتماعی، نحوه تعامل با محیط پیرامون را مورد توجه قرار دهند. به این منظور از چهار دهه گذشته، مسئله ارزیابی وضعیت محیط زیست کشورها از سوی مراکز علمی جهان مطرح شده و بر آن تاکید می شود. در این زمینه تلاش های فراوانی، دایره بررسی کنش‌های متقابل اجتماع و محیط طبیعی نیز آغاز شده که بخش مهمی از آن به محاسبات برهم کنش‌های سازمان دهی شده اجتماع و محیط زیست برای اصلاح روابط ذینفعان توسعه با محیط زیست تاکید دارد. اساس این نگرش بر این اندیشه استوار است که علاوه بر تراکم جمعیت و مصرف منابع، عادات و شیوه مصرف، فناوری‌های و الگوهای مداخله در طبیعت توسط انسان در روند توسعه بر محیط زیست تاثیر می گذارند. وجود ارتباط دوسویه بین رفتارهای انسانی و تحمیل تغییرات بر طبیعت این ایده را تقویت می‌کند که برای کاهش تاثیرات منفی بر محیط زیست بازنگری در رفتارهای انسانی، شیوه های مصرف منابع و تصرف سرزمین ضروری است.

در سال های اخیر که الزام به تامین کیفیت مطلوب زندگی برای شهروندان به صورت تامین دسترسی آنان به رفاه و برخورداری از خدمات شهری مناسب و محیط سالم توأم با توجه به حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آتی در اولویت سیاست های دولت قرار گرفته است، توجه به برنامه ریزی های شهری و جستجوی رهیافت هایی که بتواند آثار و پیامدهای منفی ناشی از فعالیت های شهری بر محیط زیست را کاهش دهد بیشتر مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان قرار گرفته است. به لحاظ رشد روز افزون تعداد شهرها، میزان شهرنشینی و تبدیل شدن آن به سبک زندگی رایج انسانها، بررسی ارتباط بین شهر به عنوان یک محیط اجتماعی و در عین حال یک محیط زیست طبیعی اهمیت بیشتری یافته است چون در جوامع کنونی، شهرها با تراکم جمعیت، مصرف زیاد منابع و ایجاد انواع آلودگی بیشترین تاثیر را بر محیط زیست می گذارند.

با پذیرش این تعریف که توسعه پایدار شهری بر محور حفظ کیفیت زندگی در کنار حفظ محیط زیست استوار است، ناگفته نماند که روند توسعه در تبریز ناپایدار بوده است.

شهر تبریز بزرگترین اجتماع زیستی شمال غرب کشور است، به لحاظ موقعیت مکانی ویژه خود در این منطقه از حوزه نفوذ بسیار وسیعی برخوردار است و به خاطر مرکزیت سیاسی- اداری آن، همچنین تمرکز اغلب فعالیت های صنعتی، اقتصادی، دانشگاهی و ارائه خدماتی که توسط سطح بالای تخصص ها و مهارت‌ها عرضه می شود به شهر مسلط و قطب جاذب جمعیت در منطقه تبدیل شده است و به همین دلیل پهنه جغرافیایی آن به طور مداوم گسترش می یابد.

مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد «این شهر طی دهه های اخیر رشدی شتابان، لجام گسیخته و بیقواره داشته و تحولات جمعیتی و کالبدی ناباورانه ای را تجربه کرده است به طوری که نوعی شهرسازی ناندیشیده و ناپایدار در آن به وقوع پیوسته است. توسعه و پراکنش فضایی شهر باعث کمبود و گرانی زمین و مسکن، تخریب باغ ها و اراضی کشاورزی، فرسودگی و تهی شدن بافت قدیم، تنزل اعتبارات فرهنگی و هویت تاریخی شهر، دست اندازی شهر بر روی مناطق ناپایدار و نواحی بالقوه خطرناک، از بین رفتن جنبه های زیبایی شناسانه شهر، ظهور و گسترش مناطق حاشیه نشین، ادغام روستاهای پیرامون و تغییر نقش آنها شده و قابلیت های زیست محیطی این شهر را به مخاطره انداخته است» (پورمحمدی و جوام کسری، 1389: 1).

تبریز یکی از قطب های بزرگ صنعتی کشور است و به همین دلیل در معرض انواع آلودگی های آب، خاک و هوا با مواد شیمیایی قرار دارد. وجود صنایع بزرگ و مادر نظیر نیروگاه حرارتی، تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز، پالایشگاه نفت و محصولات پتروشیمی، همچنین واحدهای کوچکتر صنعتی از جمله واحدهای تولید آسفالت، کارخانجات کبریت سازی، تولید سیمان، ریخته گری و ذوب فلزات، در پیرامون شهر از عوامل تأثیرگذار بر آلودگی هوای این شهر به شمار می رود اگرچه در سال های اخیر مهم ترین علت آلودگی هوای تبریز، حمل و نقل درون شهری است و با توجه به افزایش روز افزون تردد خودروها در سطح شهر میزان آلودگی هوای آن روزه روز افزایش یافته و شدیدتر می شود[1].

تبریز به عنوان کلانشهر شمال غرب کشور مهاجران زیادی را از مناطق اطراف به خود جلب می کند این قضیه موجب شده محدوده شهر طی پنج دهه گذشته چندین برابر شود. «شهر تبریز روزگاری نه چندان دور در تقسیم بندی‌های امروزی شهرها به صورت باغشهر مطرح بود؛ به طوری که بسیاری از محلات تبریز با پسوند یا پیشوند کلمه باغ

نامیده می شدند [2]، اما توسعه کنترل نشده و برونزای شهر منجر به از بین رفتن این ثروت های ارزشمند شد و این اراضی تحت تأثیر تنش های شهری، افزایش قیمت زمین، تغییر کاربری اراضی و شهرنشینی در پیرامون قرار گرفتند. اعمال روشهای شهرسازی و تخصیص اراضی کشاورزی اطراف شهر تبریز برای پاسخ گویی به نیاز مسکن، باعث نابودی و بلعیده شدن اراضی و به زیر ساخت و ساز رفتن آنها برای کاربری های مسکونی شده است، به طوری که در طی مدت 25 سال از 1345 تا 1370 در مجموع 5838 هکتار از زمین های کشاورزی و باغ های اطراف تبریز تخریب شده و به زیر ساخت و ساز شهری رفته است» (Azimi, 1996: 188).

ادغام روستاهای اطراف شهر تبریز در آن محله های بزرگی در اطراف هسته مرکزی ایجاد کرده، که نه شهر است نه روستا، این مناطق در حال گذار از روستا به شهر، به لحاظ تغییر کاربری اراضی و نحوه ساخت و ساز، نه تنها چشم انداز آشفته و بی پیرامون شهر ایجاد کرده اند بلکه با اختصاص زمین و اراضی خود به ساخت مناطق مسکونی و زیرساخت و ارتباطی، فضای سبز اطراف شهر را نیز کاهش داده اند. هرچند که اخیراً توجه به توسعه فضای سبز شهری بیشتر شده است اما اغلب این فضاها در داخل شهر به صورت سطوح سبز ایجاد می شوند نه به صورت مشجر یا به اصطلاح حجم سبز که بتوانند بر سالم سازی و تعدیل هوای شهر تأثیر بگذارند. به علاوه باکشیده شدن مناطق روستایی به داخل محدوده شهری «بافت روستایی درون شهری» ایجاد شده است، تأثیر این اتفاق را نه تنها در تغییرات فیزیکی و فضایی بناها و ساخت و سازهای شهری بلکه در تعاملات اجتماعی، همچنین تغییر سبک و شیوه های زندگی افراد نیز می توان به خوبی مشاهده کرد.

بنا به اعلام شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در سال 1391، تراکم جمعیت در تبریز 7780 نفر در هر کیلومتر مربع بوده است، این انبوه جمعیت مصرف کننده، ساکن در ساختمان های متراکم موجب ایجاد انبوه زباله و استفاده فراوان از وسایل نقلیه موتوری می شود؛ شونند که علاوه بر ایجاد انواع آلودگی هوا، آلودگی صوتی فراوانی نیز تولید می کنند.

شهر تبریز در پهنه ای به شکل دره که از شمال توسط کوه های عون بن علی و از جنوب توسط تپه ماهورهای ارتفاعات سهند محصور شده واقع شده است، این امر که در گذشته امکان ورزش بادهای خنک از باغات سرسبز دامنه های کوهستانی آن را فراهم می کرد امروزه دستمایه تشدید انواع آلودگی به ویژه آلودگی هوای آن شده است زیرا در فصول سرد سال استقرار مراکز پرفشار که از منطقه سیبری به آذربایجان نفوذ می کنند باعث ایجاد شرایط پایدار جوی شده و زمینه را برای بروز پدیده وارونگی هوا [3] فراهم می نماید.

بررسی های زمین شناختی نیز نشان می دهند که توسعه فیزیکی شهر از سمت شمال روی گسل تبریز انجام شده و دستکاری و اراضی دامنه کوه برای توسعه شهر می تواند منجر به بروز مخاطرات و خسارت های گزاف انسانی و اقتصادی شود (بابایی اقدم و همکاران، 1386).

استفاده و وابستگی به اتومبیل در شهر تبریز رو به افزایش است. جاذبه تملک خودروی شخصی و تبدیل شدن آن به نوعی شاخص منزلت اجتماعی در ایران از یک